

ساقط کرد که التوحید اسقاط الاضافه چون سالک  
 ودیعت را بحکم تقوۃ الامانات الی امسها باردهد او  
 را چیزی نماند لاجرم گویند الفقر لا محتاج الی الله بیت کی بود  
 ما ز ما جدا مانده من و تو رفتم خدا مانده بیت میدان یقین  
 که نیست و الله موجود حقیقه سوی الله و آنچه رسول فرموده  
 است که کاد الفقر ان یكون کفرا چون اضافه ساقط کرده  
 وحدت ثابت کرده و درین  
 مقام گفته اند که اذا تم الفقر فهو الله اقتضای سبحانی  
 ما اعظم شأنی و لیس فی جنتی سوی الله و انا الحق جز درین مقام  
 صادر نشود بیت اگر این تمت هستی زور کار بر خیزد  
 بسالاف انا الحق از ابرار بر خیزد چون نهایت فقر بهایت

دعوی

الوهابیت است پس موجب کفر باشند در شریعت انا در  
 حقیقت عین ایمانست زیرا که فاعله ط است میان علما  
 که هر که بهیچ موجودی اذن رو که موجود است معدوم نکرده  
 و بهیچ معدومی اذن رو که معدومست موجود نشود که  
 الباقی باقی الازل و الفانی فان لم یزلت ما انکس را که  
 در دل بشکی نیست یقین دانده هستی جز یکی نیست  
 و نیست هست مطلق نزدیک تحقیقان جز حق ای سالک  
 راه حق چون وجود علی الحقیقه حق تعالی راست انا الحق جز  
 بزبان حق گفته نشود بیت انا الحق کشف اسرار است مطلق  
 جز حق کیست تا گوید انا الحق جز از حق نیست دیگر هستی  
 مطلق مولی کو تو خواهی انا الحق قایل و سامع او است